

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

سال دهم، شماره ۹ / ۲۵۰ / آذر ۱۴۰۴ / ۳۰ نوامبر ۲۰۲۵

حق بر کرامت انسانه در زندان ها



## در این شماره می‌خوانید:

حق بر کرامت انسانی در زندان‌ها؛ از اسناد بین‌المللی تا واقعیت‌های ناگفته  
کرامت انسانی در زندان؛ ضرورتی فراتر از مجازات  
فشار بر زندانیان؛ از ارده فردی تا رویکرد قانونی  
روایت از درون زندان؛ قانون نادیده، انسان فراموش شده  
حق بر کرامت انسانی زندانیان

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تحریریه: محمد مقیمی، مینا موحد، سیروان منصوری،  
علی‌اصغر فریدی و میلاد پور عیسی

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه‌نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است  
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

روشنی بیانگر بحران در تحقق حق بر کرامت انسانی در محیط‌های بسته است.



محمد مقیمی

## مبانی حقوقی کرامت انسانی در نظام بین‌المللی

اصل کرامت انسانی در مقدمه و ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۵ این اعلامیه تصریح می‌کند: «هیچ‌کس نباید مورد شکنجه یا رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.» این اصل در ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) نیز تکرار شده و دولت‌ها را ملزم می‌کند که با تمام اشخاصی که از آزادی‌شان محروم شده‌اند، با انسانیت و احترام به شأن ذاتی انسان رفتار کنند.

علاوه بر این، قواعد حداقل رفتار با زندانیان (قواعد نلسون ماندلا) که در سال ۲۰۱۵ توسط مجمع عمومی سازمان ملل بازبینی شد، معیارهای مشخصی برای رفتار انسانی با زندانیان ارائه می‌دهد؛ از جمله الزام به رعایت بهداشت، مراقبت‌های پزشکی، دسترسی به آموزش، و منع هرگونه خشونت یا تبعیض. ۵ کمیته حقوق بشر سازمان ملل در نظریه تفسیری شماره ۲۱ (General Comment No. ۲۱, ۱۹۹۲) بر این نکته تأکید کرده که رفتار انسانی با زندانیان تعهدی حقوقی برای دولت‌ها است و نه صرفاً توصیه اخلاقی. همچنین کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR) در نظریه

### مقدمه

کرامت انسانی از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که در تمامی نظام‌های حقوق بشری جای دارد. این مفهوم بیانگر شأن ذاتی و حرمت غیرقابل سلب انسان است که حتی در شرایط محدودیت آزادی یا ارتکاب جرم نیز نباید نادیده گرفته شود. زندان به‌عنوان مکانی که در آن آزادی افراد به حکم قانون محدود می‌شود، نباید به محیطی برای رنج مضاعف یا تحقیر انسان بدل شود. مطابق اصول مسلم حقوق بشر، سلب آزادی به‌منزله سلب کرامت نیست، بلکه وسیله‌ای است برای حمایت جامعه و بازپروری فردی که مرتکب جرم شده است.

با این حال، در بسیاری از کشورها، فاصله‌ی میان قواعد مکتوب و واقعیت‌های میدانی بسیار ژرف می‌نماید. گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و تجربه‌های وکلای مدافع حقوق بشر نشان می‌دهد که در برخی زندان‌ها جمهوری اسلامی، کرامت انسانی زندانیان نه تنها حفظ نمی‌شود، بلکه به‌کلی نادیده گرفته می‌شود. نگارنده نیز، به‌عنوان وکیل و پژوهشگر حقوق بشر، در دوران حرفه‌ای خود شاهد وضعیتی بوده است که به

## حق بر کرامت انسانی در زندان‌ها؛ از اسناد بین‌المللی تا واقعیت‌های ناگفته



تفسیری شماره ۱۴ (General Comment No). درمانی زندان نیز نگران‌کننده بود. ازدحام بیش از حد، کمبود فضا و تخت، و نبود دسترسی شامل حال زندانیان دانسته و تأکید کرده که هیچ شرایطی نباید این حق بنیادین را از افراد سلب کند. بخوابند. در چنین شرایطی، بیماری‌های پوستی و عفونی شایع بودند و رسیدگی پزشکی به حداقل ممکن کاهش یافته بود. در موردی، حتی به گفته‌ی برخی زندانیان، کارکنان بهداشتی در برابر درخواست کمک پاسخ می‌دادند: «هر وقت مرد، ما را خبر کنید»، در نهایت بیمار را که از درد ناله می‌کرد، در نزدیکی سرویس بهداشتی گذاشتند تا همان‌جا جان سپرد. چنین بی‌تفاوتی آشکار، نقض صریح تعهدات دولت‌ها بر اساس ماده ۱۰ ICCPR و قواعد ۲۴-۲۷ قواعد نلسون ماندلا عمل به‌صورت خودگردان و بر اساس سلسله‌مراتب قدرت میان زندانیان اداره می‌شد.

افراد زورمندتر، که بطور معمول نفوذ بیشتری در میان سایر زندانیان داشتند، در نقش «وکیل‌بند» و با تکیه بر قدرت فیزیکی یا ارتباطات خود، بر دیگران سلطه داشتند. در مواردی، این افراد حکم صادر و زندانیان ضعیف‌تر را به‌طور خودسرانه مجازات می‌نمودند. این ساختار غیررسمی، که ریشه در فقدان نظارت مؤثر و بی‌تفاوتی مأموران دارد، در عمل منجر به فروپاشی مفهوم عدالت در درون زندان می‌شود.

### وضعیت بهداشتی و درمانی

بنابر مشاهدات نگارنده وضعیت بهداشتی و

حقوقی و ناآگاهی از حقوق خود، سال‌ها در شرایط غیرانسانی نگهداری می‌شوند. در این زندان نیز نظام غیررسمی میان زندانیان شکل گرفته و در غیاب نظارت واقعی، آسیب‌های جسمی و روانی گسترده‌ای رخ می‌نماید. بر اساس قواعد ۲۵ و ۴۲ نلسون ماندلا، دولت‌ها موظف‌اند در زندان‌های زنان خدمات بهداشتی، روانی و حمایتی متناسب با نیازهای خاص آنان فراهم کنند. با وجود این، نبود خدمات بهداشتی ویژه زنان، کمبود امکانات پزشکی، و رواج مواد مخدر در برخی بندها که گاه با چشم‌پوشی یا مشارکت مأموران امکان‌پذیر است، همه نشان‌دهنده نقض ماده ۱۲ ICESCR درباره حق سلامت و فروپاشی کارکرد بازپروری بی‌اعتنایی کامل به کرامت انسانی است.

### پاورقی‌ها و منابع

1. UDHR, 1948, Article 1, 5, 26.

2. Ibid, Preamble.

۳. روایت نگارنده به‌عنوان وکیل و پژوهشگر حقوق بشر، بازداشت موقت در پرونده‌های سیاسی و عقیدتی.

4. ICCPR, 1966, Article 10.

5. Nelson Mandela Rules, 2015, Rules 24–27, 25, 42.

6. HRC, General Comment No. 21, 1992.

7. CESCR, General Comment No. 14, 2000.

### نتیجه‌گیری

کرامت انسانی در زندان، مفهومی تشریفاتی یا آرمانی نیست، بلکه معیاری عینی برای سنجش انسانیت یک نظام حقوقی است. وقتی زندانی در محیطی زندگی می‌کند که خشونت، بیماری و ترس جایگزین قانون شده است، جامعه نیز بخشی از انسانیت خود را از دست می‌دهد.

در نظام‌های حقوقی پیشرو، زندان نه مکانی برای انتقام، بلکه محیطی برای بازپروری و بازگشت فرد به جامعه است. بر اساس نظریه تفسیری شماره ۲۱ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، هدف از حبس باید اصلاح و بازاجتماعی‌سازی مجرم باشد و هرگونه رفتار غیرانسانی، تحقیرآمیز یا بی‌توجهی

## کرامت انسانی در زندان؛ ضرورتی فراتر از مجازات



### مینا موحد

وجودی دارد و فطری است. انسان به ما هو  
کرامت انسانی مفهومی است که فراتر از جرم،  
مجازات یا موقعیت اجتماعی قرار می‌گیرد. هر  
جرمی مرتکب شود یا به مجازاتی محکوم شود.  
فرد، حتی پس از ارتکاب جرم، همچنان انسان  
است و باید از حقوق اساسی خود برخوردار باشد.  
از این منظر، زندان نباید به محلی برای تحقیر یا  
فراموشی انسان‌ها تبدیل شود، بلکه باید فرصتی  
برای اصلاح، آموزش و بازسازی شخصیت فرد  
رعایت شود.

در اصل ۲۲ و اصل ۳۹ قانون اساسی جمهوری  
اسلامی هم بر این موضوع تأکید شده است.  
آیین نامه سازمان زندان‌ها نیز حداقل بر روی  
جامعه است؛ موضوعی که در ایران همواره  
محل بحث و ارزیابی بوده است. قوانین متعددی  
بر رعایت حقوق و کرامت زندانیان تأکید دارند، از  
جمله آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اصول قانون  
اساسی، با این حال گزارش‌ها و دیدگاه‌های

مختلف نشان می‌دهد فاصله‌ای جدی میان  
اصول قانونی و واقعیت‌های اجرایی وجود دارد.  
با سعید دهقان، وکیل حقوق بشر، درباره مفهوم  
کرامت انسانی در زندان و چالش‌های قانونی و  
اجرایی آن گفت‌وگو کرده‌ایم.

در حوزه نظام‌های بین‌المللی هم «قواعد نلسون  
ماندلا» را داریم که ایران آن را امضا کرده است.  
در ماده ۱ این قواعد و در ماده ۱۰ میثاق بین  
المللی حقوق مدنی / سیاسی که ایران به آن  
پیوسته، بر کرامت ذاتی انسان به طور مطلق و  
احترام به همه زندانیان تأکید شده است، این که  
رفتار با انسان باید اصولی و درست باشد.

**مفهوم «کرامت انسانی» در نظام**

**زندان‌ها به چه معناست؟**

**چرا حفظ کرامت زندانیان در نظام**

کرامت انسانی، شان ذاتی انسان است که ارزش

## عدالت کیفری اهمیت دارد؟

اهداف را تخریب کند. در واقع اگر به کرامت انسانی در نظام عدالت کیفری در مورد زندانیان مهم است چون قبل از هر چیز باید بدانیم عدالت واقعی فقط تنبیه نیست و ما نمی‌توانیم فکر کرد که عدالت کیفری کارش فقط تنبیه باشد. بلکه یکی از اهداف اصلی مجازات، اصلاح فرد مجرم است. اگر بخواهیم

## در قوانین و آیین‌نامه‌های ایران، چقدر به موضوع کرامت زندانیان توجه شده است؟

از فضای عدالت کیفری جلوتر برویم، اهمیت حفظ کرامت انسانی زندانیان در حوزه عدالت ترمیمی بسیار مهم‌تر می‌شود. یعنی بازپذیری اجتماعی مهم است و زندانی در نهایت باید به جامعه بازگردد.

ما باید بتوانیم با این سیاست از تکرار جرم پیشگیری کنیم. اگر قرار باشد به کرامت زندانی بی توجهی شود، هم عدالت بی معنی می‌شود و هم بازپذیری و عدالت ترمیمی جامعه عمل نمی‌پوشد. در نتیجه نمی‌توان از تکرار جرم پیشگیری کرد. اصولاً در نظام حقوقی و قضایی جمهوری اسلامی، بر اصلاح مجرم و بازاجتماعی سازی زندانی تأکید شده، که حفظ کرامت انسانی اولین شرط آن است.

در حوزه بین الملل هم قاعده ۴ نلسون ماندلا روی بازپروری و بازگشت زندانیان به جامعه تأکید می‌کند که نقض کرامت می‌تواند همه این

مجازات و اقدامات تزدیلی (خوار و خفیف‌کننده) هستند که می‌خواهند با خوش رقصی ارتقای در زندان‌های جمهوری اسلامی بسیار دیده درجه بگیرند.

می‌شود. در اصل ۳۸ قانون اساسی، بر ممنوعیت به عنوان مثال ما خدابخشی، رستمی و حاج شکنجه تأکید شده است و اگر حتی کنوانسیون منع شکنجه را هم امضا نکرده باشند، باید این مورد را رعایت کنند. اما آیین‌نامه‌ها و اصل ۳۸ و دادستان واقعی برای نظارت بر زندان باشند، قانون اساسی و حتی قواعد نلسون ماندلا برای جمهوری اسلامی اعتباری ندارد و در این نظام کردند و جایزه آن را هم گرفتند و به مقام قضایی ولایی، حتی اگر قوانین و مقررات کاملاً روشن بالاتر به خصوص در حوزه اقتصادی ارتقا یافتند باشد، مساله اصلی اجرای آن است و نظارت که بتوانند به منابع مالی زیاد برسند.

مستقل که به هیچ‌کدام درست عمل نمی‌شود. در قوانین ایران هم کمیسیون‌های جنبی و هم هیات تخلفات و سازمان بازرسی کل کشور

## چه سازوکارهایی برای نظارت بر رعایت حقوق و کرامت زندانیان در زندان‌های ایران وجود دارد؟

تعریف شده است ولی همه آنها مستقیم یا غیرمستقیم زیر نظر حکومت هستند. در حالی که ما باید نهاد مستقل داشته باشیم که اجرای نظارت هم باید مستقل باشد و هم مستمر تا بتوان اجرای مقررات و قوانین را تضمین کرد و گرنه اینها روی کاغذ باقی می‌ماند. وظیفه و ماموریت اصلی دادستانی یا دادیارهای ناظر بر زندان تضمین حقوق زندانیان است به خصوص در حوزه زندانیان سیاسی/عقیدتی و فعالان مدنی. اما هیچ‌کدام ناظر بر زندان و رفتار درست و شفاف باشد. اما در ایران سازوکارها یا خیلی با زندانیان نیستند یعنی این را وظیفه خود نمی‌دانند. اینها معمولاً مقام‌ها و افراد امنیتی

چرا این سازوکارها در عمل اجرا نمی‌شوند؟ کارآمدی هر سازوکاری به این است که مستقل و شفاف باشد. اما در ایران سازوکارها یا خیلی وابسته و غیرمستقل هستند یا خیلی ضعیف یا اصلاً شفاف نیستند. تحت فشار مقام‌های

امنیتی/سیاسی، عملاً شکایت زندانیان به جایی نرسد یا به مشکلاتشان رسیدگی نمی‌شود یا با تاخیر زیاد رسیدگی می‌شود که فایده‌ای ندارد. آن هستند.

در نظام‌های غیردموکراتیک مکانیسم‌هایی که وجود دارد، نه ملی هستند نه مستقل و بیشتر حکومتی هستند. احزاب مستقل هم فعال نیستند و رسانه‌ها امکان انتشار نقض قوانین را ندارند چون یا رسانه‌ها توقیف می‌شوند یا روزنامه نگاران را دستگیر و زندانی می‌کنند. در نظام‌های اقتدارگرا دسترسی به نهادهای ناظر مستقل یا کم است یا اصلاً وجود ندارد. در چنین شرایطی هیچ گزارش و شکایتی هم جدی گرفته نمی‌شود و اصلاً دیده نمی‌شود.

### نقش قوه قضاییه و سازمان زندان‌ها در تضمین کرامت زندانیان چیست؟

نقش اصلی را سازمان زندان‌ها در این مورد باید بازی کند به عنوان یک نهاد اجرایی که زیر نظر قوه قضاییه است و نقش کلان را هم باید قوه قضاییه برعهده داشته باشد. ولی وقتی صحبت از نقش می‌شود باید ببینیم چقدر این نقش را خودشان جدی گرفته‌اند و چقدر این مأموریت برایشان معنا دارد و چقدر مسئولیت پاسخگویی برای خودشان قائل هستند. اتفاقاً اصلی‌ترین

گرفته نمی‌شود. دستگاه قضایی هم مستقل نیست و طبیعی است که هر اتفاقی و هر شرایطی رخ دهد و اساساً چنین نقشی را برای خود قابل نیستند. ای کاش اصلاً هیچ کاری نکنند، چون کارهایشان بیشتر تخریبی است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی با همین قوانین و مقررات نیم بند و در نظام حقوق بین الملل بر کرامت انسانی زندانیان خیلی تأکید شده اما به شکل واقعی اجرا نمی‌شود چون اصلاً انگیزه اجرا وجود ندارد و نظارت مستقلی هم نیست. پس یا اساساً اجرا نمی‌شود یا ناقص اجرا می‌شود و یا نقض می‌شود. شفافیت و

### چه چالش‌هایی، مهم‌ترین موانع در

### مسیر حفظ کرامت زندانیان است؟

ما ترکیبی از موانع کاملاً نظام مند و ساختاری داریم. موانعی که کاملاً سیاسی است و با رویکرد مقام‌های امنیتی تعیین تکلیف می‌شود و موانع کاملاً عملی که مشکل در اجرای قوانین داریم. مقامات سازمان زندان‌ها و مقام‌های قضایی که مسئولان اصلی خرد و کلان هستند به بهانه کمبود امکانات، بودجه می‌گیرند ولی هیچ وقت نمی‌بینیم ازدحام زندان‌ها کم شود یا امکانات بهتر شود و بودجه‌ها را برای منافع دیگری استفاده می‌کنند و نگاهشان امنیتی است به زندان و زندانی و هیچ نهاد ناظر مستقلی هم وجود ندارد. به شکایات و گزارش‌های مکرر از بدرفتاری، تحقیر و شکنجه زندانیان هیچ وقت رسیدگی نمی‌شود چون انگیزه‌ای برای این کار نیست. در چنین وضعیتی باید این موانع ترکیبی را جدی‌تر گرفت و فقط به یک شاخه نپرداخت. و این کاملاً با هم تفاوت دارد.

## فشار بر زندانیان؛ از ارده فردی تا رویکرد قانونی



میلاد پور عیسی

نزدیک شاهد روند امور و برخوردها با زندانیان از جرایم مختلف بوده، چندین عامل از جمله حاکمیت رویکرد اراده‌گرایانه، به جای رویکرد قانونی و کارشناسانه و البته بهره‌برداری حکومت از حقوق بدیهی زندانی، به عنوان ابزار فشار بر او را از دلایل ساختاری پایمال شدن کرامت زندانیان در جمهوری اسلامی می‌داند.

او در توضیح حاکمیت رویکرد اراده‌گرایانه در مدیریت زندان‌های جمهوری اسلامی، به «حقوق ما» می‌گوید: «این مسأله حاکمیت رویکرد اراده‌گرایانه و سلیقه‌ای خود را در مدیریت زندان در جمهوری اسلامی به اشکال مختلف خود را نشان می‌دهد. برای نمونه ما قانونی به نام آئین نامه طبقه‌بندی زندانیان را داریم که مکان نگهداری زندانیان را بر اساس سن و جرایم آن‌ها جدا می‌کند.»

او در ادامه به مواجهه دوگانه قوه قضائیه با آئین نامه طبقه‌بندی زندانیان در قوه قضائیه اشاره می‌کند که خود همین موضوع یکی از نمونه‌های مدیریت اراده‌گرایانه زندان‌ها است: «من بر اساس تجربه زندان خودم می‌توانم بگویم رویکرد زندان‌بان چنین است که در حوزه حقوق زندان، قانون کامل اجرا می‌شود، ولی در زمینه حقوق زندانی، معمولاً رویکرد مسئولان اجرای حداقلی آن هم از سوی کسانی است که اصولاً در این مورد هیچ تخصصی ندارند. این موضوع از مساله تغذیه زندانی، تا محل نگهداری و امنیت آن‌ها صادق است.»

بنا بر برخی گزارش‌ها، تنها در ۹ ماه سال ۲۰۲۵ دست کم ۳۰ زندانی با جرایم و اتهامات مختلف در زندان‌های سراسر کشور جان خود را به دلایل مختلف از دست داده‌اند. تنها در همین ماه‌های گذشته و با بالا رفتن ناامنی‌های اجتماعی و بین‌المللی ناشی از حمله اسرائیل و آمریکا به ایران، جدا از گسترش موج اعدام‌ها همراه با روند دادرسی‌های غیر شفاف، شاهد صحنه‌های بدرفتاری علنی پلیس و مسئولان زندان با شهروندان بازداشتی و زندانی در رسانه‌های جمهوری اسلامی بوده‌ایم.

«سمیه رشیدی» زندانی سیاسی سوم مهر ماه، تنها چند ماه بعد از زندانی شدن در زندان قرچک ورامین، بعد از بی‌توجهی طولانی مقامات زندان به بیماری او، در بیمارستان جان سپرد. این‌ها تازه زندانیان سیاسی هستند که زیر سایه گزارش‌های رسانه‌ای که به صورت عمومی، وضعیت بهتری از نظر شرایط نگهداری در زندان‌ها، نسبت به مجرمان جرایم عادی دارند. امیرسالار داوودی، وکیل دادگستری که خودش هم با گذراندن چند سال حبس در زندان اوین از

## سودجویی‌های خرد و کلان مسئولان زندان؛ نمونه «بنیاد امید حامی ایرانیان»

تسلط اراده‌های فردی و سیاسی بر مدیریت زندان‌ها که نتیجه نخست آن پایمال شدن کرامت زندانیان است، از آن سو هم زمینه بروز انواع سودجویی در محیط در بسته زندان را برای مقامات آن فراهم کرده است؛ از افسران خرد حاضر در بندها تا مدیران ارشد آن‌ها در این مناقصه بر سر حقوق زندانی با هم مسابقه دارند.

به گفته امیرسالار داوودی: «در همین شرایطی که مسئولان زندان عملاً مالک زندگی زندانی هستند و قانون و آیین نامه هم بیشتر ابزار است، فرصت برای سودجویی مالی مقامات زندان هم فراهم است. غذای زندان یکی از همان مواردی است که همه می دانند از چه کیفیتی برخوردار است. وقتی درباره آن زندانیان اعتراض می کنند، مدیران تنها به کمبود بودجه به عنوان توجیه این موضوع اشاره می کنند. در حالی که بودجه‌های زیادی بدون هیچ گونه نظارتی هدر می‌روند.»

در همین شرایط، حقوق اولیه زندانیان نقش کالای سودآور مدیران ارشد زندان را پیدا می‌کند. آقای داوودی در گفتگو با حقوق ما به یکی از موارد سودجویی مقامات زندان‌ها اشاره می‌کند: بنیاد امید حامی ایرانیان «نهادی است که از مدیران سابق زندان‌های مختلف تشکیل شده که از راه قراردادهای مختلف در حوزه حقوق زندانیان از غذا و لباس گرفته تا باقی



موارد، سود می‌برند. تا چند سال بعد از تأسیس، این بنیاد که احتمالاً یک شرکت تعاونی است، با خرید اقلام مورد نیاز زندانیان از بیرون و فروش آن‌ها به زندانیان سودآوری کرده و از جایی به بعد، این بنیاد شروع به تولید اجناس زندان با برند اختصاصی خود کرد.»

این دست سودجویی‌ها و اخاذی‌ها در نبود یک مدیریت پایبند به حقوق زندانی، تا جزئی‌ترین مسئولان زندان هم پیش می‌رود: «زندانی برای به دست آوردن حقوق ابتدایی مثل وسایل رفاهی از جمله گوشی تلفن همراه که در زندان ممنوع است، تا برخی وسایل دیگر مجبور است چندین میلیون تومان به افسر نگهبان بند رشوه بدهد. این جا شما شاهد یک فساد سیستماتیک

همین رویکرد غیر انسانی آن‌ها به مسأله زندانی می‌داند؛ جایی که قوانین درست با بهانه‌های مختلف از جمله نبود امکانات کافی به فراموشی سپرده شده و از آن سو هم بی‌اهمیتی وضعیت زندانی، از هر گونه تلاش مقامات قضایی برای اصلاح قوانین ناکارآمد جلوگیری می‌کند: «وضعیت زندانی هیچ‌گاه در جمهوری اسلامی دغدغه نبوده است. این موضوع را در همین نوع نگاه به قوانین موجود به روشنی می‌توان دید. از این نظر که اگر کوچک‌ترین دغدغه برای رعایت کرامت انسانی بود، همین قوانین و آیین نامه‌های موجود به نحوی اجرا می‌شدند که به نفع کرامت و احترام زندانی با هر جرم و اتهامی تمام شود. از آن سو باز اگر حتی اندکی حق

از خرد تا کلان، در نبود مدیران با رویکرد انسانی و البته غیر کارشناس هستید.»

همه این موارد تضييع حقوق زندانی در جمهوری اسلامی در شرایطی رخ می‌دهد که نهادهای نظارتی ظاهراً هیچ اراده‌ای برای نظارت بر امور زندان‌ها ندارند. در هیچ کدام از موارد مرگ زندانیان در سال‌های گذشته، هیچ اقدامی برای رسیدگی به دلایل بروز این فجایع صورت نگرفت.»

## «تنبیه» شخصی زندانی، به جای «مجازات قانونی»

امیرسالار داوودی، نگاه مسئولان قضایی به قوانین مربوط به مدیریت زندان‌ها را ناشی از او به هر قیمت انجام می‌شود.

## روایت از درون زندان؛ قانون نادیده، انسان فراموش شده



قوانین ایران، به‌ویژه آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، در چه موادی به حفظ کرامت انسانی زندانیان اشاره دارند؟ قواعد نلسون ماندلا (قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان) چه جایگاهی در حقوق بین‌الملل دارند و تا چه حد می‌توان آن‌ها را با نظام حقوقی ایران منطبق دانست؟ بر اساس قانون مصوب سال ۱۴۰۰ و همچنین قوانین قبلی (که البته من قانون سال ۱۴۰۰ را مبنا قرار می‌دهم) در مواد ۱ و ۲ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، به‌ویژه ماده ۲ این آیین‌نامه، به حفظ کرامت انسانی اشاره شده است.

اما در عمل و در بحث کرامت انسانی، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها با قواعد نلسون ماندلا تا چه حد تفاوت دارد؟ باید بگویم با توجه به تجربه زیسته خود من که پنج ماه در زندان انفرادی و چهار ماه در بند عمومی زندان بودم و همچنین با توجه به تخصصم در حوزه وکالت و حقوق، در همان مدت زندان از نزدیک قوانین و اعمال قانون را شخصاً تطبیق می‌دادم.

از نظر آیین‌نامه و آنچه در متن آن آمده، قوانین ایران تا حد زیادی به معیارهای جهانی نزدیک هستند، با وجود برخی تفاوت‌های جزئی. مثلاً در زمینه فضای شخصی و متراژ محل نگهداری ابراهام‌هایی وجود دارد، اما در کل از نظر متنی و مواد قانونی، مشکل چندانی وجود ندارد و فاصله زیادی با قواعد نلسون ماندلا دیده نمی‌شود.



علی‌اصغر فریدی

اصل حفظ کرامت انسانی، از بنیادی‌ترین مفاهیم حقوق بشر و از اصول مشترک در نظام‌های حقوقی معاصر است. در نظام حقوقی ایران نیز این اصل در اسناد و مقررات مختلف از جمله قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. با وجود این، بررسی نحوه اجرای این مقررات در عمل، همواره از موضوعات بحث‌برانگیز در حوزه مطالعات حقوق کیفری و حقوق بشر بوده است.

در همین چارچوب، مجله «حقوق ما» گفت‌وگویی انجام داده است با فرهاد محمدی، حقوقدان و وکیل دادگستری، که با تکیه بر دانش حقوقی و تجربه شخصی خود در مواجهه با نظام زندانبانی کشور، به بررسی تطبیقی میان مقررات داخلی و استانداردهای بین‌المللی، به‌ویژه قواعد حداقل رفتار با زندانیان (معروف به قواعد نلسون ماندلا)، پرداخته است. هدف این گفت‌وگو، طرح دیدگاهی کارشناسی درباره چگونگی تحقق اصول کرامت انسانی در فرایند اجرای مجازات و اداره زندان‌ها در ایران است.

متأسفانه در عمل، فاصله بسیار زیادی وجود دارد. مثلاً آنچه در باب کرامت انسانی در زندان مطرح است، در حداقل‌ترین شکل ممکن اجرا می‌شود.

اگر بخواهیم هرکدام از این موارد را بررسی کنیم، مانند نور، تهویه، شرایط اسکان، عدم تحقیر زندانیان، خدمات درمانی و بهداشتی یا تغذیه، می‌بینیم همه این‌ها در حداقل میزان ممکن رعایت می‌شود.

برای مثال، وقتی من در زندان بودم، بارها پیش می‌آمد زندانی به بیماری مبتلا شود و نیاز فوری به دارو یا درمان پیدا کند، اما به‌ندرت پیش می‌آمد که او را برای مداوا به بیمارستان منتقل کنند. برای چنین کاری باید مراحل طولانی طی می‌شد: تأیید شورای طبقه‌بندی، پزشک قانونی، قاضی ناظر زندان و دیگران.

در بسیاری از موارد نگاه انسانی و مثبتی نسبت به زندانی وجود نداشت. اصل بر عدم صداقت زندانی گذاشته می‌شد مگر اینکه خلافش ثابت شود.

خود من شخصاً دو پرونده فوت زندانی در زندان داشتم که به علت عدم رسیدگی درمانی رخ داد. متأسفانه این دو نفر زمانی به بیمارستان منتقل شدند که دیگر کار از کار گذشته بود.

در زندان بهداری وجود دارد، اما داروهای آن بسیار محدود و غیرتخصصی است؛ مثلاً داروهایی مانند استامینوفن یا چند داروی ساده

معمولاً یک پزشک عمومی برای حدود هزار زندانی حضور دارد که طبیعتاً امکان رسیدگی کامل وجود ندارد. علاوه بر این، آن پزشک خود را موظف به ارائه خدمات تمام‌عیار به زندانیان نمی‌داند.

**اصل ۳۹ قانون اساسی توهین به حیثیت افراد دستگیر یا زندانی را ممنوع کرده است. در عمل، چه سازوکارهایی برای**

**تضمین اجرای این اصل وجود دارد؟**

متأسفانه در زندان‌های ایران، مسئله تحقیر و بی‌احترامی به زندانی بسیار شایع است. نگهبان‌هایی که در زندان کار می‌کنند، به دلیل نبود آموزش کافی و آگاهی لازم نسبت به حفظ حرمت زندانیان و احترام به کرامت انسانی، در عمل چنین رفتاری از خود نشان نمی‌دهند.

از نظر تغذیه نیز فاصله زیادی با معیارهای جهانی و قواعد نلسون ماندلا وجود دارد. غذای زندان به‌گونه‌ای نیست که تمام نیازهای تغذیه‌ای بدن را تأمین کند. فروشگاه یا رستوران زندان نیز تنها برای زندانیانی مفید است که از بیرون برایشان پول فرستاده می‌شود. زندانیانی که از نظر مالی ضعیف‌اند یا کسی را در بیرون ندارند، در محرومیت نسبی تغذیه‌ای قرار می‌گیرند.

**در خصوص بازداشت‌های انفرادی، با توجه به آیین‌نامه سازمان زندان‌ها**

**و قواعد بین‌المللی، وضعیت چگونه است؟** زندانیان رفتار کنند، از میان خشن‌ترین زندانیان برای حفظ نظم در بند استفاده می‌شود. این

بر اساس آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، افراد که در بیرون از زندان به دلیل جرایم خشن بازداشتگاه‌های انفرادی باید زیر نظر سازمان زندان‌ها باشند و از نظر کمی و کیفی به‌صورت مداوم مورد بررسی و نظارت قرار گیرند. اما چیزی که من شخصاً تجربه کردم، چنین نظارتی وجود نداشت.

وضعیت بسیار سختی بر متهمان در انفرادی حاکم است. تقریباً می‌توان گفت هر فردی که به انفرادی منتقل می‌شود، دچار ترومای روانی می‌شود که ممکن است تا پایان عمر همراه او بماند و بر تمام جنبه‌های زندگی‌اش سایه بیفکند.

از نظر نور، تهویه، فضا، سرما و گرما و شیوه برخورد در بازداشتگاه‌های انفرادی، فاصله وحشتناکی میان قانون و عمل وجود دارد.

در مقایسه با زندان‌های باز یا نیمه‌باز، شرایط انفرادی بسیار نامطلوب‌تر است و نسبت به معیارهای جهانی فاصله‌ای بی‌نهایت دارد. در زمینه کارهای اصلاحی، توان‌بخشی و برنامه‌های بازپروری، آنچه در زندان‌های ایران در عمل اتفاق می‌افتد، با آنچه در متن قانون آمده، فاصله زیادی دارد.

به نظر من در این زمینه نقض کامل قانون وجود دارد. زمانی که در زندان بودم، این مسئله را به رئیس زندان تذکر دادم. او از من نظر خواست و گفتم: به‌عنوان یک حقوقدان، به‌صراحت می‌گویم اینجا یک جزیره است و هیچ بخشی از قانون در آن اجرا نمی‌شود.

به جای آنکه زندان‌بان‌ها با احترام و ملاحظت با زندانیان رفتار کنند، از میان خشن‌ترین زندانیان برای حفظ نظم در بند استفاده می‌شود. این افراد که در بیرون از زندان به دلیل جرایم خشن بازداشتگاه‌های انفرادی باید زیر نظر سازمان زندان‌ها باشند و از نظر کمی و کیفی به‌صورت مداوم مورد بررسی و نظارت قرار گیرند. اما چیزی که من شخصاً تجربه کردم، چنین نظارتی وجود نداشت.

وضعیت بسیار سختی بر متهمان در انفرادی حاکم است. تقریباً می‌توان گفت هر فردی که به انفرادی منتقل می‌شود، دچار ترومای روانی می‌شود که ممکن است تا پایان عمر همراه او بماند و بر تمام جنبه‌های زندگی‌اش سایه بیفکند.

از نظر نور، تهویه، فضا، سرما و گرما و شیوه برخورد در بازداشتگاه‌های انفرادی، فاصله وحشتناکی میان قانون و عمل وجود دارد.

در مقایسه با زندان‌های باز یا نیمه‌باز، شرایط انفرادی بسیار نامطلوب‌تر است و نسبت به معیارهای جهانی فاصله‌ای بی‌نهایت دارد. در زمینه کارهای اصلاحی، توان‌بخشی و برنامه‌های بازپروری، آنچه در زندان‌های ایران در عمل اتفاق می‌افتد، با آنچه در متن قانون آمده، فاصله زیادی دارد.

برگزار می‌شود، مربوط به مناسبت‌های مذهبی است. بخش فرهنگی زندان بیشتر در همین زمینه فعال است و فعالیت‌هایش محدود به اجرای مراسم دینی و مذهبی می‌شود.

در سایر حوزه‌ها، مانند سینما، تئاتر، موسیقی یا نویسندگی، فعالیت قابل‌توجهی وجود ندارد. در ساختار سازمانی زندان، معاونتی با عنوان معاونت فرهنگی تعریف شده و به‌صورت ظاهری نیز فضاهایی برای آن وجود دارد، اما در عمل، اقدام مؤثری انجام نمی‌شود.

از متخصصان بیرون از زندان یا حتی زندانیان مستعد برای فعال‌سازی این بخش‌ها استفاده نمی‌شود.

در زمینه ورزشی نیز فعالیت‌ها بسیار ضعیف است. آموزش خاصی وجود ندارد و من در مدت حضورم ندیدم که مربیانی از بیرون زندان برای آموزش زندانیان دعوت شوند یا مسابقات ورزشی داخلی برگزار شود.

از نظر عملی، بیشتر زندانیان صبح پس از بیدار شدن در اتاق‌ها یا حیاط هواخوری می‌مانند و تمام روزشان همان‌طور سپری می‌شود، بدون فعالیت خاصی. به‌طور تقریبی بیش از ۹۰ درصد زندانیان هیچ فعالیت مشخصی ندارند.

حدود ۱۰ درصد از زندانیان، آن هم به‌دلیل ضعف مالی خود یا خانواده‌شان، به کارهایی مانند بافتنی، معرق‌کاری، ساخت دستبند، تسبیح و چیزهایی از این دست مشغول‌اند. این

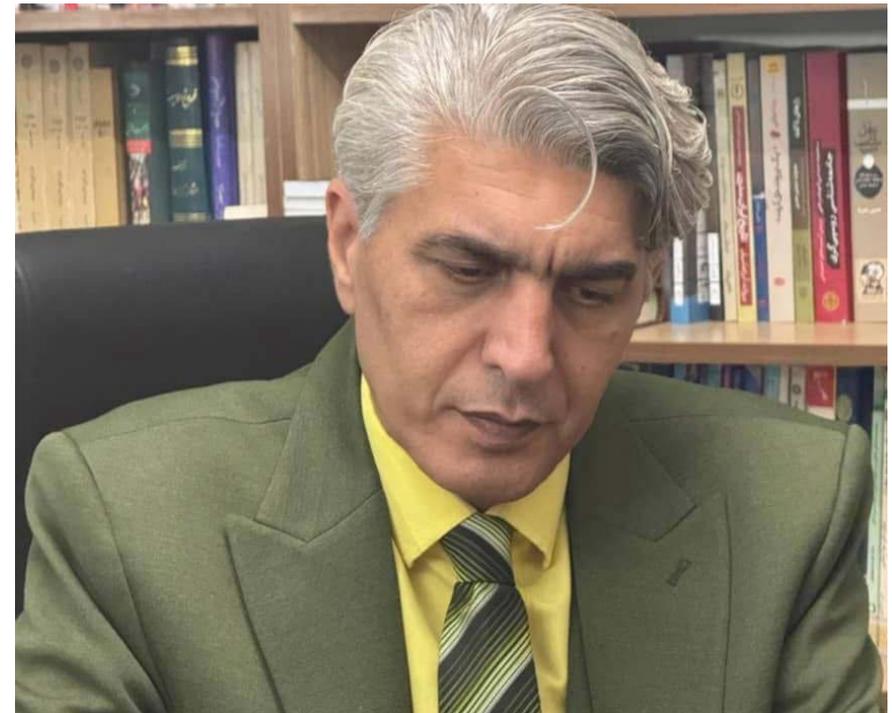
محصولات از طریق فروشگاه‌هایی که بیرون از زندان و متعلق به سازمان زندان‌هاست فروخته می‌شود. بخشی از پول فروش به زندان تعلق می‌گیرد و بخشی دیگر به زندانی داده می‌شود تا برای هزینه‌های خود یا خانواده‌اش استفاده کند.

البته تعداد این افراد بسیار اندک است و معمولاً کسانی هستند که محکومیت‌های طولانی دارند



و از سر ناچاری به این کارها رو می‌آورند. این‌ها چیزهایی است که من شخصاً به چشم دیدم و با قوانین و آیین‌نامه‌ها تطبیق داده‌ام. مجرمانه یا رفتارهای ضد اجتماعی در زندان به‌طور کلی باید گفت زندان در ایران بیشتر به سر می‌برند، هیچ اقدام تربیتی یا بازپرورانه کارکرد تنبیهی دارد و از جنبه‌های آموزشی، احیاگری، تربیتی و اصلاح‌گری تقریباً خالی می‌شود، معمولاً بدون هیچ تغییر مثبتی از آن خارج می‌شود، حتی گاهی ممکن است وضعیتش بدتر هم بشود.

## حق بر کرامت انسانی زندانیان



جعفریور وکیل پایه یک دادگستری، گفتگو کرده است.



سیروان منصوری

اصولا «حق بر کرامت انسانی» برای زندانیان به چه معنا است؟ و بر مبنای موازین حقوقی، چه مصادیقی را شامل می‌شود؟

اساسا عبارت یا قاعده حفظ و صیانت از کرامت انسانی، برگرفته از تئوری و نظریه‌ای است که برای انسان و به ماهو انسان، حقوقی برای او در نظر می‌گیرد که در مکتب حقوق طبیعی، آن را به ذات انسان، فارغ از هر نوع گرایش سیاسی، نژادی، طایفه‌ای و هر نوع مرز و ممیزی که انسان‌ها را در روابط اجتماعی یا حکومتی‌شان تفکیک و طبقه‌بندی می‌کند، لحاظ می‌کند. به صرف اینکه انسان، واجد یک سری اوصاف و خصوصیات است که این اوصاف و خصوصیات، می‌بایست از سوی تمامی حکومت‌ها و رژیم‌های سیاسی، مورد احترام قرار گیرد. در همین راستا، با عنایت به این قاعده که زندانی، محکوم‌علیه دادنامه‌ای است که مجازات آن، حبس تعریف شده است و آن زندانی پیش از اینکه در قالب یک محکوم‌علیه در زندان محبوس باشد، انسانی واجد تمامی حقوق تعریف‌شده برای انسان‌ها از جمله بحث کرامت انسانی است، بنابراین ایذا و آزار زندانی، یا تضییع و یا تحدید حقوق انسانی وی، خلاف قواعد حقوقی و اصول اخلاقی است. در همین راستا، ماده هفت

اصل ۳۹ قانون اساسی در مقام تشریح حقوق انسانی زندانیان مقرر می‌کند: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون، دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده باشد، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است. علاوه بر این، آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۱۳۸۴)، مصادیق این حقوق را ذیل موضوعاتی مانند تغذیه مناسب، مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، حق ارتباط با خانواده، حق استفاده از مرخصی و حق دسترسی به آموزش و فعالیت‌های فرهنگی، تعریف و تضمین می‌کند. همچنین قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳)، ماموران را موظف می‌کند تا با متهمان و محکومان، رفتاری انسانی و عادلانه داشته باشند.

مجله حقوق ما برای بررسی بیشتر حفظ کرامت انسانی زندانیان، حقوق زندانیان مطابق قانون، رعایت حقوق قانونی زندانی از زمان بازداشت، تفهیم اتهام، دادگاهی، صدور قرار و زندگی در زندان، وظایف نهادهای مربوطه، چگونگی صیانت از این حقوق، و پروسه دادخواهی زندانیان در موارد نقض آن، با محمدهادی

آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مقرر می‌کند که ماموران زندان موظف هستند با زندانیان با رفتار انسانی، محترمانه و مبتنی بر حفظ کرامت برخورد کنند. در ادامه ماده ۳۷ همین آیین‌نامه تصریح می‌کند که استفاده از ابزارهای حفاظتی مانند دستبند و پابند، صرفاً در شرایط استثنایی و با رعایت ضرورت و متناسب با وضعیت زندانی، مجاز است و اعمال هرگونه خشونت بدنی، خارج از موارد ضروری، ممنوع است. زیربنای این قاعده، اصل ۳۹ قانون اساسی است که مقرر می‌کند: هرگونه هتک حرمت، شکنجه جسمی یا روحی نسبت به زندانیان، ممنوع و جرم‌انگاری شده است. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی را هم می‌توانیم به این اصول و قواعد اضافه کنیم. بنابراین مشخص است که اتخاذ هرگونه رفتار خشن و هتک حرمت نسبت به زندانیان، هم خلاف قانون و هم خلاف قواعد است و در واقع، عهدنامه‌های بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی که ایران هم به آنها پیوسته است، از جمله قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، که به «قاعده ماندلا» مشهور و معروف است که خروجی این قاعده، همان احترام به کرامت انسانی زندانیان است. ضمن اینکه در چند سال گذشته، سند امنیت غذایی هم بر این کرامت انسانی اصرار و پافشاری و تأکید موکدی داشته است.

این‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مقرر می‌کند که ماموران زندان موظف هستند با زندانیان با رفتار انسانی، محترمانه و مبتنی بر حفظ کرامت برخورد کنند. در ادامه ماده ۳۷ همین آیین‌نامه تصریح می‌کند که استفاده از ابزارهای حفاظتی مانند دستبند و پابند، صرفاً در شرایط استثنایی و با رعایت ضرورت و متناسب با وضعیت زندانی، مجاز است و اعمال هرگونه خشونت بدنی، خارج از موارد ضروری، ممنوع است. زیربنای این قاعده، اصل ۳۹ قانون اساسی است که مقرر می‌کند: هرگونه هتک حرمت، شکنجه جسمی یا روحی نسبت به زندانیان، ممنوع و جرم‌انگاری شده است. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی را هم می‌توانیم به این اصول و قواعد اضافه کنیم. بنابراین مشخص است که اتخاذ هرگونه رفتار خشن و هتک حرمت نسبت به زندانیان، هم خلاف قانون و هم خلاف قواعد است و در واقع، عهدنامه‌های بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی که ایران هم به آنها پیوسته است، از جمله قواعد حداقل استاندارد سازمان ملل برای رفتار با زندانیان، که به «قاعده ماندلا» مشهور و معروف است که خروجی این قاعده، همان احترام به کرامت انسانی زندانیان است. ضمن اینکه در چند سال گذشته، سند امنیت غذایی هم بر این کرامت انسانی اصرار و پافشاری و تأکید موکدی داشته است.

شده است. برای مقام قضایی، این رفتار مشمول مجازات انتظامی درجه چهار، که تا حد تعلیق ممکن است پیش برود، در نظر گرفته شده است و به همین می‌شود استناد کرد که حساسیت محدود کردن آزادی شهروندان، تا آنجایی است که جرم‌انگاری شده است، ولو اینکه توسط عالی‌ترین مقام قضایی یک شهر یا استان، این دستور و این فرمان اجرا شود. اساساً در نظام حقوقی - قضایی تمامی رژیم‌های سیاسی، آزادی تن افراد دارای احترام است و به هیچ وجه هیچ شخصی حق ندارد دیگری را بدون حکم قضایی و قانونی بازداشت کند. اصل ۳۲ قانون اساسی هم، بر این قاعده تأکید دارد که هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت، پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.

بنا بر ماده ۱۸۰ آیین دادرسی کیفری، شرایط و ضوابطی که بازپرس حق دارد بدون احضار شخص، دستور جلب و بازداشت وی را دهد، احصا کرده است که شامل چهار بند است: الف: در مواردی که مجازات قانونی جرم ارتكابی، سلب حیات، قطع عضو، یا حبس ابد باشد، برای مقام قضایی، این رفتار مشمول مجازات انتظامی درجه چهار، که تا حد تعلیق ممکن است پیش برود، در نظر گرفته شده است و به همین می‌شود استناد کرد که حساسیت محدود کردن آزادی شهروندان، تا آنجایی است که جرم‌انگاری شده است، ولو اینکه توسط عالی‌ترین مقام قضایی یک شهر یا استان، این دستور و این فرمان اجرا شود. اساساً در نظام حقوقی - قضایی تمامی رژیم‌های سیاسی، آزادی تن افراد دارای احترام است و به هیچ وجه هیچ شخصی حق ندارد دیگری را بدون حکم قضایی و قانونی بازداشت کند. اصل ۳۲ قانون اساسی هم، بر این قاعده تأکید دارد که هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت، پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود.



محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال منجر شود.

اشخاصی که از چنین دستوراتی آزرده شده و حقوقشان تضییع شده است، هم می‌توانند به دادستان شهر مراجعه کنند و موضوع را انتقال دهند و هم می‌توانند به دادسرای انتظامی قضات، موضوع را انتقال داده و تحت عنوان شکواییه از بازپرس و مقام قضایی، موضوع را پیگیری کنند.

بنا به آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و مقررات مربوط به آن، سلامت جسمانی و روانی زندانیان، تامین امکانات رفاهی و آسایشی آنها در محدوده قوانین حاکم بر زندان مثل داشتن غذای مناسب، دسترسی به دارو، دسترسی به کتاب و روزنامه و مجلات، حق داشتن مرخصی، حق داشتن ملاقات با نزدیکان نسبی درجه یک، حق برقراری تماس تلفنی، حق خرید از فروشگاه و بوفه‌هایی که داخل زندان تعبیه شده‌اند، حق ورزش کردن و امثال آنها، جز حقوق انسانی زندانیان است و محروم کردن زندانیان از این حقوق، تخلف محسوب می‌شود. علاوه بر این، زندانی حق دارد بنا به مقررات سازمان زندان‌ها، هر سه ماه یکبار، ده روز مرخصی داشته باشد که زندانیانی که دارای حسن رفتار هستند و دارای فعالیت‌های اداری داخل زندان هستند، به آنان، امتیازات خاصی تعلق می‌گیرد که مجموع این امتیازات در مرخصی دادن خلاصه می‌شود.

### در قوانین بین‌المللی، مثل میثاق حقوق مدنی و سیاسی یا قواعد نلسون ماندلا، چه حقوقی برای حفظ کرامت زندانیان پیش‌بینی شده است؟

مهم‌ترین قانونی که در بعد بین‌المللی راجع به حقوق زندانیان آمده است، همان قانونی است که مشهور به قانون ماندلا است، راجع به سایر عهدنامه‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی، با توجه به این قاعده که زندانی یک انسان است که محکوم به تحمل حبس شده است، بنابراین دارای تمامی حقوق شهروندی انسان‌های دیگر هم است. یعنی هیچ تفکیکی در میثاق حقوق مدنی و سیاسی یا سایر عهدنامه‌ها و اساس‌نامه‌های بین‌المللی که در مقام تعریف

سایر فعالیت‌های سیاسی مثل انتخابات شرکت کنند. بنابراین حق انتخاب شدن یا انتخاب کردن را دارند. در اینجا، سوءپیشینه را فاکتور می‌گیریم، ولی بر فرض این است که یک زندانی سیاسی که مرتکب جرمی شده باشد که واجد سوءسابقه سیاسی نباشد، آن شخص حتی می‌تواند در همان مدت زمانی که حبسش را تحمل می‌کند، به عنوان نامزد انتخابات در آن انتخابات موردنظر شرکت کند. این مثال را از این باب آوردم که تاکید کنم که زندانی، فقط آزادی تنش، به موجب حکم دادگاه و برای مدتی مشخص، محدود شده است و بنابراین هیچ تفاوتی بین یک فرد زندانی با سایر شهروندان وجود ندارد.

### مواد قانونی در زمینه حفظ حقوق و شان و کرامت زندانیان در قوانین مدنی و جزایی و قانون مجازات اسلامی، کدام‌ها هستند؟ مکانیسم تضمین اجرای این مواد در قانون، چگونه پیش‌بینی شده است؟

علاوه بر مقرراتی که در پاسخ پرسش یک مطرح شد، ماده یکصد و سیزده آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، راجع به حقوق پزشکی و سلامت زندانیان، انشای حکم کرده است، آیین دادرسی کیفری، قانون اجرای احکام کیفری، آیین‌نامه حاکم بر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی را می‌توانیم به عنوان منابع و

و تبیین حقوق انسانی شهروندان آمده است، قائل نشده‌اند، فقط راجع به حقوق زندانیان این موضوع پیش‌بینی شده است که زندانی به عنوان یک شهروند، واجد حقوقی مانند سایر شهروندان است که به موجب حکم دادگاه و بنا بر یک رویه دادرسی عادلانه، محکوم به تحمل حبس شده و قرار است برای مدتی، آزادی تن وی محدود شود. بنابراین به همین عبارت، یعنی سایر حقوق و آزادی‌های عمومی و سیاسی زندانی، پابرجا است و هیچ مقامی حق ندارد وی را به جهت اینکه زندانی است، از سایر حقوق سیاسی یا حقوق شهروندی‌اش محروم کند. به همین سبب است که بسیاری از زندانیانی که فعالیت‌های سیاسی دارند، می‌توانند در

مستندات در برخورد با زندانیان، اشاره کنیم که حقوق زندانی، اعم از مرخصی، نحوه برخورد روانی با زندانی نیازمند ارجاع به روانپزشک یا روانشناس، یا درمان و سلامت جسمی زندانی، نوع غذای زندانی، ورزش و دسترسی وی به مطالعه روزنامه و کتاب، از جمله مصادیقی است که در قانون حاکم بر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی ایران آمده است. ما در مواجهه با حقوق زندانیان، با دو مقوله مواجه هستیم:

یکی از پرچالش‌ترین مسائلی که ما در برخورد با افراد بازداشت‌شده و زندانی با آن روبرو هستیم، عدم آگاهی و اطلاع ماموران انتظامی از حقوق زندانیان است، سرمنشاء این چالش آنجا است که غالب ماموران خدوم و عزیزی که زندانیان را بدرقه می‌کنند، سربازان وظیفه هستند و سرباز وظیفه‌ای که تا چند وقت پیش در دانشگاه مثلا شیمی، فیزیک، جغرافیا، ریاضی، ادبیات یا پزشکی می‌خوانده است، با حقوق یک زندانی آشنایی ندارد، که وی را به عنوان مامور بدرقه

یا نگهبان یک زندان تعریف می‌کنیم. وقتی این عدم آگاهی از حقوق و قوانین حاکم بر زندانیان وجود داشته باشد، بر آن مامور برای تخطی از وظایف و حدود اختیارات قانونیش، حرجی نیست؛ بلکه به مقام مافوق او بستگی دارد. نکته دیگر این است که ما زندان را به عنوان مجازات برای بازپروری و اصلاح مجرم و در نهایت برای عبرت دیگران، تعریف می‌کنیم، اما آن چیزی که امروز در حوزه قضایی ایران و در ساختار قضایی حقوقی ایران با آن مواجه هستیم، زندان هیچ یک از این اهداف را تأمین نمی‌کند. یعنی نه سبب عبرت دیگران می‌شود و نه سبب عبرت زندانی می‌شود، بلکه هزینه‌ای را بر هزینه‌های دولت تحمیل می‌کند. به همین سبب، سال‌های متمادی است که مساله جایگزینی زندان‌ها به عنوان یک مجازات

**بیشترین میزان نقض حقوق زندانیان**

**و نقض حفظ شان و کرامت زندانیان،**

**شامل کدام موارد است؟ این نقض در**

**مراحل مختلف زندگی یک زندانی به**

**چه شکل است؟ چه راهکارهایی برای**

**جبران این موضوع در قانون پیش‌بینی**

**شده است؟ چه موانع اصلی بر سر راه**

سنّتی، مورد بحث و تحقیق و پژوهش قرار گرفته است. اصطلاح و قاعده عدالت ترمیمی و عدالت توزیعی در خصوص مجازات زندان، توسط اندیشمندان دانشگاهی مورد بررسی قرار می‌گیرد که با شاکی پرونده‌ای که منجر به زندانی شدن متهم شده است، صحبت کنند و نوع آسیبی را که زیان‌دیده و شاکی از بزه و جرم فرد زندانی، تحمل کرده است را ترمیم کنند و به روش دیگری، خسارت‌های آن شاکی را جبران کنند. دولت هم به عنوان حاکمیت که صالح به واکنش اجتماعی حاکمیتی به نام زندان بوده است، در کنار این افراد قرار گیرد و در جهت اصلاح زندانی و در جهت استفاده از توانایی‌ها و صلاحیت فرد زندانی، اعم از صلاحیت علمی، فنی و هر آنچه که بلد است را در منصفه ظهور بگذارد و جامعه از این زندانی برای مدتی مشخص بهره‌مند شود. چیزهایی که این روزها تحت عنوان «زندان باز جهادی» و

تعلیق مراقبتی از آن یاد می‌شود، شبیه به همین است که زندانی که مثلا جوشکاری، تراشکاری، نقاشی بلد است، می‌تواند فن و هنر خودش را به سایر زندانیان آموزش دهد یا در اختیار سازمان زندان‌ها قرار دهد تا این فن و تخصص برای یک بهره‌مندی مفید برای سازمان زندان‌ها و برای جامعه بزرگ‌تر شهری مورد استفاده قرار گیرد. موارد نقض حقوق زندانی را ما می‌توانیم از همان لباس پوشیدن‌شان و نحوه ورود افراد به زندان اشاره کنیم تا اتفاقاتی که در زندان‌ها می‌افتد.

بنا بر قوانین بین‌المللی و بنا بر آیین‌نامه‌های داخلی زندان‌ها، رفت و آمد زندانیان با لباس زندانی ممنوع است، دستبند و پابند زدن به زندانیان، مگر در موارد خاص، وگرنه به طور عام ممنوع است. نوع غذایی که به زندانی داده می‌شود، نوع دسترسی زندانی به امکانات رفاهی، بهداشتی، سلامتی، نوع ملاقات و تماس تلفنی و تمامی حقوقی که برای هر انسانی تعریف و شناخته می‌شود، برای زندانیان ما محدود می‌شود. در صورتی که گفتیم زندانی فقط برای مدتی آزادی تنش محدود می‌شود و تحدید کردن حقوق زندانی و مانع‌تراشی در بهره‌مندی او از سایر حقوقش، مخصوصا مثل مرخصی یا برقراری تماس تلفنی با خانواده یا ارتباط با خارج از زندان از طریق دستگاه‌های ارتباط جمعی یا دسترسی به اینترنت و امثال آن، مصادیق چالش‌هایی است که زندانیان ایران، با آنها مواجه هستند.

بدون تردید، زندانی‌ای که در طول دوران حبسش، متوجه این حجم از نقض قانون و متوجه برخوردهای ناشایست برخی از مأمورین می‌شود، در برگشت از زندان با یک عقده و یک ذهنیت دیگری به جامعه نگاه می‌کند، زندانی نه اینکه اصلاح شده باشد، بلکه درصد تلافی آزارهایی که برخلاف قانون بر او تحمیل کرده‌اند، بخواهد آمد و این فرد چه بسا، برای جامعه خطرناک‌تر هم خواهد بود.

# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم  
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)